

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۵۳

فصل ۸: ۵-۸

آیه حفظی برای ۶ ماه مارچ سال ۲۰۲۵

کتاب مقدس، اشعیا ۴۵: ۱

۱ خداوند به مسیح خویش یعنی به کورش که دست راست او را گرفتیم تا به حضور وی امت‌ها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درها را به حضور وی مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود چنین می‌گوید.

آیه حفظی برای ۱۳ ماه مارچ سال ۲۰۲۵

کتاب مقدس، رومیان ۸: ۲۸

۲۸ و می‌دانیم که بجهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و بحسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت [ایشان] با هم در کار می‌باشند.

مقدمه: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی فصل هشتم باز بفرومائید. حقیقت تاریخ انسان این است که درست در زمانی که قدرتهای شریر این جهان فکر می‌کنند به نقطه اوج خود رسیده‌اند، خدای راستین آنان را به پائین می‌آورد. و این حقیقتی است که فصل هشتم کتاب دانیال و تاریخ به ما می‌آموزد. در فصل هشتم می‌بینیم که تاریخ امپراطوری های ایران و یونان (و سوریه که جزوی از یونان بود) سایه ای هستند از پیشگویی های آینده، و وقایع ایام آخر، روی کار آمدن، سلطنت، و نابودی ضد مسیح. آنچه که امروزه در خاورمیانه رخ می‌دهد با فصل هشتم دانیال مطابقت شگفت انگیزی دارد. در جلسه گذشته آیات ۱-۴ را که در مورد امپراطوری ایران بود مطالعه کردیم. در این جلسه تمرکزمان بر روی آیات ۵-۸ خواهد بود که در مورد امپراطوری یونان به ما تعلیم می‌دهد. و همانطور که بجلو می‌رویم و به این آیات می‌رسیم آنها را خواهیم خواند.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مرور کوتاه: در فصل هشتم زبان نگارش یافته به زبان عبری بر می گردد چون مطالب این فصل با آینده قوم اسرائیل مرتبط است. در فصل هشتم ما با رویای دوم دانیال روبرو می شویم. فصل هشتم بر روی حکومت امپراطوری های ایران و یونان و رابطه شان به اسرائیل تمرکز می کند. در این فصل خدا در رویائی که به دانیال می دهد، مرور کوتاهی بر تاریخ امپراطوری های ایران و یونان می کند. خدا در این رویا بطور کلی تاریخ این دو امپراطوری را دنبال می کند تا دوران حکومت **آنتیوخوس چهارم اپیفانس** پادشاه بدنام سلسله سلوکیه از ۱۷۵ تا ۱۶۹ پیش از میلاد.

تم اصلی تمامی فصل هشتم این است که در تمام طول تاریخ اغلب شریر پیروزی یافته و حتی بنظر می آید که در شرارتش لجام گسیخته می بوده است، حد و مرزی نداشته. اما در نهایت ایمانداران به مسیح تحت فیض خدا پایدار باقی مانده و خدا پیروزی آنها را تضمین کرده است.

مطالعه امروز: در آیه ۵، دانیال در دنباله رویایش می بیند که:

۵ و حینی که متفکر می بودم اینک بز نری از طرف مغرب بر روی تمامی زمین می آمد و زمین را لمس نمی کرد و در میان چشمان بز نر شاخی معتبر (بارز، برجسته) بود.

تمامی متخصصین کتاب مقدس معتقدند که این بز نر با یک شاخ برجسته به یونان اشاره می کند، و آن شاخ برجسته به اولین امپراطور قدرتمند یونان، اسکندر مقدونی، که لشکریانش از مغرب با سرعت زیاد به طرف شرق حمله ور شدند. بعلت سرعت زیاد سپاهیان اسکندر است که آیه ۵ می فرماید **"و زمین را لمس نمی کرد"**، گویی پرواز می کند. این بز نر تک شاخ با قسمت ران برنجین پیکره خواب نبوکد نصر در فصل دوم کتاب دانیال مطابقت دارد. سپس دانیال در رویا می بیند که این بز به آن قوچ دو شاخ حمله می کند و آنرا از پای در می آورد:

۶ و به سوی آن قوچ صاحب دو شاخ که آن را نزد نهر ایستاده دیدم آمد و بشدت قوت خویش نزد او دوید.

این اشاره به حمله اسکندر مقدونی به ایران می کند. دلیل آنکه می گوید **"و بشدت قوت خویش نزد او دوید"**، دلایل تاریخی دارد. ایرانیان قبلا به یونان حمله کرده بودند و صدمه زده بودند. حالا، اسکندر از روی خشم و انتقام جویی بشدت به ایران حمله می کند و در نهایت چنان ایران را می زند که امپراطوری ایران از صحنه تاریخ محو می شود، اگرچه حکومت و ملت ایران به حیات خود ادامه می دهند.

۷ و او را دیدم که چون نزد قوچ رسید با او بشدت غضبناک شده، قوچ را زد و هر دو شاخ او را شکست و قوچ را یارای مقاومت با وی نبود پس وی را به زمین انداخته، پایمال کرد و کسی نبود که قوچ را از دستش رهایی دهد.

تمامی این رویا در تاریخ، ۲۰۰ سال بعد از زمان دانیال به تحقق می رسند. لشکر اسکندر بار اول ایرانیان را در نبرد رود گرانیک یا بیگای امروزی در منطقه آسیای صغیر (ترکیه امروزی) در تاریخ ماه می سال ۳۳۴ پیش از میلاد شکست دادند که شروع تصرف ایران بود. و سپس، یکسال و نیم بعد، در نبرد ایسوس، در تاریخ نوامبر سال ۳۳۳ پیش از میلاد، در نزدیکی، خلیج اسکندرون امروزی، در شمال شرقی دریای مدیترانه، داریوش سوم از اسکندر شکست خورد. و در نهایت در نبرد گوگتمل در نزدیکی نینوا در عراق امروزی به تاریخ اکتبر ۳۳۱ پیش از میلاد، لشکریان ایران بطور کامل از اسکندر شکست خوردند. مطابقت پیشگونی دانیال با تاریخ و شکست امپراطوری ایران از یونان، شگفت انگیز است. اسکندر تا هندوستان پیش می رود و از سمت جنوب تا مصر. فرهنگ و زبان یونان در این مناطق غالب می آیند. در ایران سلسله سلوکیه تاسیس می شوند که یک سلسله یونانی تبار بود نه ایرانی که پس از امپراتوری اسکندر از ۳۱۲ پ. م تا ۶۳ پ. م بر مناطقی از غرب آسیا حکومت کرد. امپراتوری سلوکی در اوج وسعتش، کشورهای امروزی ایران، عراق، کویت، افغانستان، سوریه، فلسطین، مصر و بخش‌هایی از ترکمنستان و ترکیه را در بر می‌گرفت.

اما تصرف ایران توسط یونان برای ما ایرانیان مزایای بسیاری داشت، بر خلاف حمله اعراب و یا مغول، چون هم با زبان یونانی آشنا شدیم و هم با فرهنگ و اصول کشور داری آنان.

انتشار زبان یونانی عامی در سرتاسر این سرزمینها یکی از دلایلی است که خدا در حکمتش انجیل مقدس را به زبان یونانی به نویسندگان انجیل مقدس الهام داد تا پیغام آن به آسانی در سرتاسر این سرزمینها انتقال یابد. اگر چه اسکندر خودش مردی فاسد بود ولی خدا از او استفاده کرد تا زمینه برای انتشار پیغام انجیل مهیا شود. کلام خدا در رومیان ۸: ۲۸ می فرماید:

۲۸ و می‌دانیم که بجهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و بحسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت [ایشان] با هم در کار می‌باشند.

یعنی حتی در کشور گشائی های اسکندر خدای ما در کنترل بود و داشت نقشه خودش را برای قرن‌ها بعد آماده می کرد. الان هم همین گونه است.

۸ و بز نر بی نهایت بزرگ شد و چون قوی گشت آن شاخ بزرگ شکسته شد و در جایش چهار شاخ معتبر بسوی بادهای اربعه آسمان برآمد.

امپراطوری یونان تحت رهبری اسکندر، در اوج قدرت و بزرگی اش با بحرانی روبرو می شود و آن مرگ اسکندر و تقسیم امپراطوری او بین چهار تن از سردارانش می باشد. اسکندر بیشتر از هر رهبری در گذشته، سرزمینهای مختلفی را تصرف کرده بود اما نتوانسته بود بر نفس خودش غالب آید. بدون مسیح غیر ممکن است. او زندگانی فاسدی داشت، و در حالیکه حتی ۳۳ ساله هم نشده بود در بابل از فرط مستی و عیاشی در سال ۳۲۳ مرد. چهار شاخ ذکر شده در آیه ۸ با چهار سر پلنگ بالدار فصل ۷ آیه ۶ یکی هستند. امثال ۲۵: ۲۸ می فرماید:

۲۸ کسی که بر روح خود تسلط ندارد، مثل شهر منهدم و بی حصار است.

ولی در مسیح، ۲ تیموتاوس ۱: ۷ می فرماید:

۷ زیرا خدا روح ترس را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت و خویشنداری را.

باید با روح خدا که از کلام و کلیسا استفاده می کند همکاری کرد.

بعد از مرگ اسکندر، امپراطوریش بین چهار سردارش تقسیم شد: سلوقوس اول، سلسله سلوکیه را تاسیس می کند که بر ایران، افغانستان، پاکستان، بابل و سوریه امروزی سلطنت می کردند، بطلمیوس اول، سلسله بطلمیوس را بر مصر، و فلسطین تاسیس می کند، آنتیگونوس اول، سلسله پرغاموس بر منطقه غربی ترکیه امروزی تاسیس می کند و کاساندر بر قسمت مقدونیه و جنوب یونان حکمرانی می کرد.

حقیقت امر این است، درست موقعی که امپراطوری های شریر این دنیا فکر می کنند در اوج قدرتمند، خداوند ما آنها را به پائین می آورد.

امثال ۱۶: ۱۸ می فرماید:

۱۸ تکبر پیش رو هلاکت است، و دل مغرور پیش رو خرابی.